

بررسی تاثیر سیاست‌های مالیاتی، فساد و اندازه دولت بر کارآفرینی ضرورت‌محور و فرصت‌محور^۱

نسرين صلح‌خواه^۲

حسين پناهی^۳

پرويز محمدزاده^۴

داود بهبودی^۵

چکیده

کارآفرینی به عنوان یکی از محورهای توسعه درونزا، ایجاد اشتغال پایدار و تقویت‌کننده بنیان‌های اقتصادی تعبیر می‌شود. عوامل متعدد نهادی و اقتصادی بر سطح و کیفیت کارآفرینی تأثیرگذار است که از جمله مهمترین عوامل می‌توان به کارکردهای دولت و سیاست‌های حمایتی آن اشاره نمود. نظر به اهمیت موضوع و بررسی میزان اثرپذیری کارآفرینی از متغیرهای محیطی، مطالعه حاضر به بررسی اثر عملکرد دولت و بویژه اثرات سیاست‌های مالیاتی، اندازه دولت و فساد بر انواع مختلف کارآفرینی (فرصت‌محور و ضرورت‌محور) متمرکز است. در پژوهش حاضر از روش تخمین پنل دیتا با داده‌های غیرکامل، تأثیر متغیرهایی مانند نرخ مالیات، شاخص فساد و طیف وسیعی از هزینه‌های دولت بر توسعه کارآفرینی در دو سطح ضرورت و فرصت‌محور به آزمون درآمده است. در این راستا از اطلاعات ۲۸ کشور طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ بهره گرفته شده است.

نتایج نشان می‌دهد افزایش مالیات در کشورهای منتخب، کارآفرینی فرصت‌محور و ضرورت‌محور را محدود می‌کند اما افزایش نرخ مالیات اثر کاهنده بیشتری بر کارآفرینی ضرورت‌محور نشان می‌دهد. هزینه‌های دولتی در بخش عمومی تأثیر مثبت بر رشد کارآفرینی فرصت‌محور دارد. فساد عمومی بر کارآفرینی فرصت‌محور اثر معکوس دارد در حالی که اثرات مثبت و معنی‌داری بر کارآفرینی ضرورت‌محور محاسبه شده است. همچنین شاخص‌های سطح درآمد سرانه ملی، سرمایه انسانی، میزان اعتبارات به‌بخش خصوصی، تراکم کسب‌وکار، نرخ بیکاری و نرخ مشارکت نیروی کار، از جمله سایر عوامل موثر بر سطح و کیفیت کارآفرینی می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، مالیات، فساد، کارآفرینی ضرورت‌محور، کارآفرینی فرصت‌محور

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده مسئول است.

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد و توسعه دانشگاه تبریز، (نویسنده مسئول)، nasrin.solhkhah@tabrizu.ac.ir

۳. عضو هیات علمی گروه توسعه اقتصادی و برنامه ریزی دانشگاه تبریز، panahi@tabrizu.ac.ir

۴. عضو هیات علمی گروه توسعه اقتصادی و برنامه ریزی دانشگاه تبریز، pmohamadzadeh@tabrizu.ac.ir

۵. عضو هیات علمی گروه توسعه اقتصادی و برنامه ریزی دانشگاه تبریز، dbehbudi@tabrizu.ac.ir

مقدمه

دانش و نوآوری برای توسعه اقتصادی بسیار اهمیت دارند. بشر بعد از پشت سر گذاشتن جوامع عصر کشاورزی و صنعتی وارد عصر اطلاعات و ارتباطات شده که در آن شاهد سه انقلاب دیجیتالی، اینترنت و کارآفرینی بوده است. در واقع کارآفرینان انقلابی را هدایت و رهبری می‌کنند که مبتنی بر دانش، اطلاعات و آگاهی می‌باشد. در ادبیات اقتصادی دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی در خصوص کارآفرینی وجود دارد. در یک تعریف کامل می‌توان گفت: کارآفرینی، توانایی و تمایل آشکار افراد به تنهایی و یا در داخل تیم‌ها، در داخل و خارج از سازمان‌های موجود، برای درک و ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی و معرفی ایده‌های آن‌ها در بازار، با وجود عدم اطمینان و موانع دیگر، با تصمیم‌گیری در مورد مکان، شکل و استفاده از منابع و مؤسسات است (Wennekers, 1999).

کارآفرینان با آغاز و گسترش کسب‌وکارهای جدید، فرصت‌های شغلی را به اقتصاد ارائه می‌دهند و نرخ بیکاری را کاهش می‌دهند. آنها با شناسایی فرصت‌های جدید، نوآوری‌های فناورانه را ترویج می‌دهند و به بهبود بهره‌وری و کارایی اقتصادی کمک می‌کنند. لازم به ذکر است در کشورهای توسعه‌یافته، اهمیت کارآفرینی فقط به علت اشتغال‌زایی نیست، بلکه دلیل اصلی این است که فعالیت‌های اقتصادی کوچکی که در این کشورها به وجود آمده‌اند، با نوآوری منجر به توسعه‌ی فناوری‌های پیشرفته و از سوی دیگر تولید و توزیع ثروت در دنیا شده‌اند و یکی از مهمترین کارکردهای کارآفرینان، بسیج منابع اقتصادی برای حداکثر کردن سود و رشد و توسعه‌ی اقتصادی است (وینکرس و همکاران ۴، ۲۰۱۰). بطور کلی می‌توان گفت کارآفرینی با تأکید بر ایجاد شغل، نوآوری، بهره‌وری، ایجاد ثروت و توسعه مناطق محروم، تأمین درآمدهای مالیاتی و بهبود رقابت‌پذیری، به عنوان یک عامل اصلی در توسعه اقتصادی و اجتماعی عمل می‌کند.

بنابراین برای کاهش شکاف توسعه‌ای کشور ایران با سایر کشورهای توسعه‌یافته و انتقال از وابستگی به مواد خام به سمت اقتصادی مبتنی بر دانش و نوآوری، لازم است کشور با الگوهای ذهنی متناسب با عصر اطلاعات و ارتباطات و عصر دانایی پیش رود و بر روی انسان‌ها سرمایه‌گذاری شده و بستری فراهم گردد که نیروهای خلاق، نوآور و ارزش‌آفرین از توانایی مغز خود استفاده مؤثرتری کنند و دانش و علم را که مواد حیاتی توسعه در عصر اطلاعات، ارتباطات و اقتصاد دانش‌بنیان است تولید کنند. مطالعات دیده‌بان جهانی کارآفرینی ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که نرخ نیت کارآفرینانه در کشور ایران بالا بوده (۲۶٪، ۴۹٪). اما نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه در کشور خیلی پایین است (۸٪) و این شکاف موجود نشان می‌دهد که در مسیر موفقیت کارآفرینان در کشور عوامل بازدارنده و تقویت‌کننده‌ای وجود هستند که نیاز به شناسایی دارند (دیدبان جهانی کارآفرینی ۱)، ۲۰۲۰). در واقع این سؤال مطرح است که چه متغیرهایی بر سطح کارآفرینی تأثیر می‌گذارند و چگونه می‌توان

باعث رشد کارآفرینی شد؟

تحقیقات صورت پذیرفته نشان می‌دهد سطح فعالیت کارآفرینی یک کشور می‌تواند توسط عوامل مختلفی (اقتصادی و غیر اقتصادی) توضیح داده شود (بوردور، ۲۰۱۹؛ پارکر، ۲۰۱۸؛ نیکولایف، ۲۰۱۸). در واقع سطوح کارآفرینی از طریق تفاوت در عوامل نهادی، آموزشی، جمعیتی و فرهنگی بین کشورها تحت تأثیر قرار می‌گیرند (کوراتکو، ۲۰۱۳؛ دوولتی، ۲۰۱۸) و عواملی مانند آموزش، آب و هوا، حقوق مالکیت و میزان بلوغ بازار مالی بر سطح کارآفرینی در کشورها تأثیر می‌گذارند (رودینگرز، ۲۰۱۹).

همچنین محیط کلی اقتصادی و سیاست‌های دولتی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند (Qafarian, 2019). نظر به اهمیت کیفیت حکمرانی دولت در ایجاد محیط مناسب برای رشد و توسعه کارآفرینی، این مقاله با بهره‌گیری از ادبیات موجود در مورد کارآفرینی و سیاست عمومی، به دنبال نشان دادن تاثیر اندازه دولت، فساد و سیاست مالیاتی بر کارآفرینی فرصت‌محور و ضرورت‌محور است.

در این مقاله انواع مختلف فعالیت‌های کارآفرینی (کارآفرینی فرصت‌محور و ضرورت‌محور) در نظر گرفته شده است زیرا کیفیت کارآفرینی تغییر فن‌آوری، تحول ساختاری و توسعه اقتصادی رادیکته می‌کند (Amorós, 2019). منظور از کارآفرینی فرصت‌محور با انگیزه بهره‌گیری از فرصت‌های مناسب کسب و کارهای نوآورانه صورت می‌گیرد در حالی که در کارآفرینی ضرورت‌محور، شروع یک کسب و کار به دلیل ضرورت فقدان فرصت‌های شغلی بهتر است. این تمایز به محققان این امکان را داده است که تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی را بر انگیزه کارآفرینی مشاهده کنند (Acs, 2018؛ Vivarelli, 2013) در حالی که کارآفرینی به توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی کمک می‌کند، همه فعالیت‌های کارآفرینی به طور یکسان کمک نمی‌کنند. بنابراین، تعیین زمینه‌ای که فعالیت کارآفرینی مطلوب را ترویج می‌کند ضروری است (بامول، ۱۹۹۰؛ بامول و استروم، ۲۰۰۷؛ فردستروم و همکاران، ۲۰۲۰).

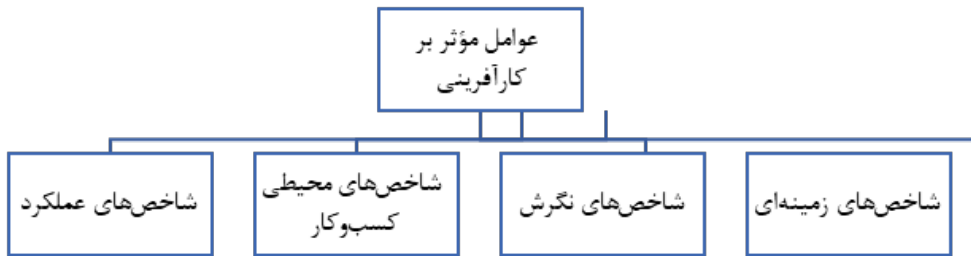
ساختار مقاله به شرح زیر است: دربخش دوم، مبانی نظری مربوط به آثار دولت بر کارآفرینی با تأکید بر سیاست‌های مالیاتی، اندازه دولت و فساد مورد توجه قرار می‌گیرد. دربخش سوم پیشینه تجربی تحقیق بیان شده و دربخش چهارم الگوی مورد نظر و همچنین روش‌های مورد استفاده ارائه می‌شود. دربخش پایانی یافته‌های تحقیق و پیشنهادها تبیین خواهند شد.

ادبیات موضوع و مبانی نظری

در ادبیات کارآفرینی، رویکردهای مختلفی درخصوص تعیین عوامل مؤثر بر فعالیت‌های کارآفرینانه وجود دارد که در رشته‌های مختلف علوم مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین مطالعات بین رشته‌ای، متشکل از جنبه‌های اقتصادی، تاریخی، روان‌شناسی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین به لحاظ تئوریک متغیرهای فراوانی می‌تواند بر کارآفرینی اثرگذار باشد که شناسایی متغیرها با اندازه و اهمیت می‌یابد. در این راستا، در تحقیق حاضر عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر کارآفرینی در سطح کلان بررسی می‌شود که با توجه به ادبیات موجود فرضیه تأثیرگذاری بیشتری این عوامل مطرح می‌باشد.

در بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی در سطح کلان، بر دامنه‌ای از فاکتورهای محیطی مانند عوامل فناورانه، اقتصادی و متغیرهای فرهنگی، همچنین مقررات دولتی تمرکز می‌شود. با توجه به دیدگاه‌های مختلف، عوامل مؤثر بر کارآفرینی در ۴ گروه تقسیم‌بندی شده‌اند که عبارتند از: شاخص‌های عملکرد، شاخص‌های محیطی کسب‌وکار، شاخص‌های نگرش و شاخص‌های زمینه‌ای.

شکل (۱) - عوامل مؤثر بر کارآفرینی



منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص‌های عملکرد با برآیند و ستاده فرآیند کارآفرینی (مانند تعداد کسب‌وکارها، رشد بنگاه‌های جدید و ایجاد اشتغال) در ارتباط هستند. در حالی که شاخص‌های محیط کسب‌وکار، عوامل متغیر تأثیرگذار بر موفقیت کارآفرین (مانند دسترسی به تأمین مالی و قوانین و مقررات) را در نظر می‌گیرند. شاخص‌های نگرش شامل ویژگی‌های خاص بنگاه‌ها و کارآفرینان (مانند جنسیت و سن کارآفرین) و عوامل زمینه‌ای شامل عوامل مرتبط با محیط نهادی و اقتصادی (مانند تولید ناخالص داخلی و بیکاری) می‌باشند. در نتیجه کارآفرینی می‌تواند تحت تأثیر عوامل اقتصاد کلان، نهادی، جمعیت شناختی و اجتماعی قرار بگیرد (هافمن، ۲۰۰۶).

تحقیقات اولیه در خصوص عوامل مؤثر بر کارآفرینی بر ویژگی‌های فردی که با کارآفرینی همبستگی دارند،

مانند بلند پروازی و نیاز به موفقیت تمرکز کرده‌اند. تحقیقات دیگر نیز اشاره می‌کنند که اگر چه افراد ممکن است ویژگی‌های کارآفرینی را داشته باشند، اما آنها بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های محیطی مانند اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و محیط اجتماعی پشتیبان نمی‌توانند به کارآفرینی بپردازند. (بیرد، ۱۹۸۸) علاوه بر این، مقررات پیچیده، افراد را از شروع کسب‌وکار باز می‌دارد، این تأثیر برای افراد با سطح تحصیلات بالا قوی‌تر است (آرداگنا و لوساردی، ۲۰۱۰). همچنین از دیدگاه برخی محققان تفاوت در سطح ملی کارآفرینی در زمان‌های مختلف را می‌توان بوسیله عوامل اقتصادی توضیح داد (هافمن و لارسن، ۲۰۰۶، فیرتگ، ۲۰۰۷). همچنین نتایج پژوهش‌ها از دیدگاه سیاست اقتصادی بسیار ارزشمند است زیرا ممکن است به شناسایی ابزارهای سیاستی اقتصادی موثر بر فعالیت‌های کارآفرینانه کمک می‌کند. بر اساس تعاریف این تحقیقات، دولت از طریق کانال‌های زیر می‌تواند فعالیت‌های کارآفرینی را ارتقا بخشد:

- معرفی کارآفرینی در تمام سطوح سیستم آموزشی
 - افزایش نرخ مشارکت نیروی کار
 - کاهش سطح مالیات
 - کاهش هزینه‌ها و تسهیل شرایط لازم برای گرفتن مجوزها و پروانه‌ها
 - کاهش فساد
 - حذف بروکراسی پیچیده اداری
 - ارتقای کیفیت نهادی
- علاوه بر این، سیاست مداخله دولت می‌تواند بر طرف تقاضای کارآفرینی نیز تأثیرگذار باشد
- افزایش امکانات برای بنگاه‌های جدید و رو به رشد برای افزایش سرمایه شخصی و سرمایه خارجی
 - سرمایه‌گذاری بخش تحقیق و توسعه، ارتباط دانشگاه و صنعت، سیستم ثبت اختراعات و استانداردها
 - ارائه برنامه‌ها و خدمات پشتیبانی تجاری با محوریت کارآفرینان جدید
- از آنجایی که دولت می‌تواند به عنوان یک بازیگر فعال و موثر در ترویج کارآفرینی نقش ایفا نماید، در ادامه، تأثیر ابزارهای در اختیار دولت در این زمینه (سیاست‌های مالیاتی، فساد و اندازه دولت) بررسی می‌شود.

مالیات و کارآفرینی فرصت‌محور و ضرورت‌محور

یکی از اساسی‌ترین معیارهای سنجش فضای کسب و کار هر کشور، نرخ مالیات است (Feizpour et al., 2011) که بر فضای کسب و کار و انگیزه کارآفرینان و صاحبان کسب و کار تأثیر بسزایی دارد. تأثیر مالیات بر کارآفرینی موضوعی پیچیده است و ممکن است بسته به عواملی مانند ساختار مالیاتی، پیشروی و استفاده از

درآمدهای مالیاتی متفاوت باشد. نرخ مالیات بالا، به ویژه بر درآمد و سود سرمایه، می‌تواند انگیزه‌های مالی برای افراد برای شرکت در فعالیت‌های کارآفرینانه را کاهش دهد.

با این حال، رابطه بین مالیات و کارآفرینی تنها منفی نیست. سیستم‌های مالیاتی معتدل و به خوبی طراحی شده می‌توانند منابعی را برای خدمات عمومی، زیرساخت‌ها و آموزش فراهم کنند که باعث بهبود شرایط کسب و کار می‌شوند.

سیاست مالیاتی می‌تواند کارآفرینان را از طریق سه کانال تحت تاثیر قرار دهد: تغییر درآمد، یارانه ریسک و تقسیم ریسک. جابجایی درآمد زمانی اتفاق می‌افتد که سیاست مالیاتی درآمد را از افراد با درآمد بالا به افراد کم‌درآمد توزیع می‌کند. این انتقال درآمد می‌تواند سرمایه بیشتری را برای کارآفرینانی که دسترسی کمتری به منابع مالی دارند یا در خانوارهای کم‌درآمد برای راه‌اندازی کسب‌وکار فراهم کند. در عین حال، این امر می‌تواند برخی از فشارهای وارده به افراد کم‌درآمد را در راستای تبدیل شدن به کارآفرینان ضرورت‌محور، کاهش دهد.

سیاست مالیاتی می‌تواند با ارائه خدمات رفاهی، کارآفرینان بالقوه را تشویق کند تا ریسک‌های مهم‌تری را متحمل شده و از درآمد سریع چشم‌پوشی کنند و در نتیجه اثر یارانه‌ای ایجاد کند؛ چرا که برنامه‌های رفاهی می‌توانند نیازهای اساسی را برآورده کنند. هنرکسون و همکاران (۲۰۱۰) استدلال کردند که مالیات‌ها می‌توانند با جبران کل زیان‌ها با خدمت به عنوان یک بیمه‌نامه برای کارآفرین و کاهش ریسک، اثر بیمه‌ای ایجاد کنند.

سیاست مالیاتی می‌تواند با کاهش برخی از بارهای مالی بر روی کارآفرینان و ایجاد پس‌انداز^۱ در صورت شکست کسب‌وکار، تأثیر اشتراک ریسک داشته باشد. دومار و ماسگریو (۱۹۴۴) سیستم مالیاتی را راهی برای مشارکت کارآفرینان در ریسک در شرایط نامطلوب توصیف کردند. اگر یک کارآفرین بتواند ریسک را به اشتراک بگذارد، این امر می‌تواند بر تشویق کارآفرین در راستای پذیرش ریسک بیشتر، موثر باشد. به عبارت دیگر مشاغل بسیار موفق ممکن است هزینه‌های شکست را برای سایر مشاغل جبران کنند. علاوه بر این، سیاست‌های مالیاتی که سرمایه‌گذاری و نوآوری را تشویق می‌کنند، مانند اعتبارات مالیاتی تحقیق و توسعه یا تحفظات مالیاتی برای استارت‌آپ‌ها، می‌توانند تأثیر مثبتی بر فعالیت‌های کارآفرینانه داشته باشند (Domar, 1944 Musgrave).

کارآفرینان فرصت محور ممکن است در زمان مالیات بالا و رکود، سرمایه‌گذاری کمتری را انجام دهند و سرمایه‌گذاری را به تعویق بیندازند، در حالی که زمانی که سیاست مالیاتی و اندازه دولت مساعدتر است، احتمال بیشتری برای راه‌اندازی کسب و کار دارند. از سوی دیگر، کارآفرینان ضرورت محور به دلیل شرایط نامطلوب اقتصادی، مجبور به ترک نیروی کار و وارد شدن به کارآفرینی می‌شوند (Sheller, 2011) در واقع می‌توان گفت محیط اقتصاد کلان و سیاست‌های دولتی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند و بر این نیروهای متضاد حاکم است (Fairlie, 2011).

1. Providing some fallback

سیاست مالیاتی مستقیماً بر انگیزه‌های کارآفرینان برای ورود به بازار تأثیر می‌گذارد (فریدمن و همکاران، ۲۰۰۰). دولت یکی از ابعاد اصلی تنظیم مقررات هر کشور است و مالیات‌ها درآمدهایی را برای هزینه‌های عمومی فراهم می‌کند. مالیات‌ها، اندازه دولت و فساد مهم هستند که با هم در نظر گرفته شوند، زیرا دولت برای فعالیت و حفظ خدمات به درآمد مالیاتی نیاز دارد که فساد می‌تواند بر آنها تأثیر بگذارد (Belitski, 2016; O'Higgin, 2006).

اندازه دولت و کارآفرینی فرصت‌محور و ضرورت‌محور

اندازه دولت می‌تواند تعیین کند که در یک اقتصاد، چه منابعی، چگونه و کجا تخصیص داده شود که این تخصیص منابع می‌تواند بر کارآفرینی تأثیر بگذارد (Williamson, 2000): همچنین از طریق گسترش حمایت‌های صورت گرفته توسط دولت از کارآفرینان و یا عدم وجود چنین حمایت‌هایی، کارآفرینی تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Aidis, 2012). اندازه بزرگ دولت می‌تواند به معنای بهبود توانایی برای ارائه خدمات توسط دولت و ورودی‌های بهتر برای کارآفرینان باشد؛ مانند کارگران ماهر که از سیستم‌های آموزشی مؤثر بیرون می‌آیند (Audretsch, 2015) و خدمات و مزایای اجتماعی مانند خدمات سلامتی و مدارس دولتی، که عموماً توسط دولت ارائه می‌شوند، می‌توانند سرمایه انسانی و کیفیت زندگی را افزایش دهند (Berry & Lowery, 1987). تحقیقات موجود نشان می‌دهد که سرمایه انسانی با بهبود مهارت‌های شناختی مرتبط با شناسایی فرصت‌ها و بهره‌برداری مرتبط است (Lofstrom, 2013).

کارآفرینی فرصت‌محور مستلزم دسترسی به زیرساخت‌های ایجاد شده مانند اینترنت، جاده‌ها و دسترسی به برق است (Audretsch, 2015) و دولت‌ها با منابع خود می‌توانند این زیرساخت‌ها را توسعه دهند. زیرساخت‌های توسعه یافته به کارآفرینان امکان دسترسی به اطلاعات، تحرک و اتصال را می‌دهد. همچنین یک دولت بزرگ بهتر می‌تواند در سیستم‌هایی مانند حقوق زمین، مالکیت و حمایت از مالکیت معنوی سرمایه‌گذاری کند که ایجاد آن‌ها توسط کارآفرینان فردی پرهزینه است و منابع لازم را از فعالیت‌های مخاطره‌آمیز منحرف می‌کند. این نوع حمایت‌ها به کارآفرینان فرصت‌محور کمک می‌کنند (Estrin, 2013; Desai & Weitzel, 2013).

و نیز دولت‌های بزرگ می‌توانند امنیت اجتماعی و رفاهی بالاتری ارائه دهند که می‌تواند خطرات را کاهش داده و هزینه فرصت کسب‌وکار را در مقایسه با اشتغال دستمزدی کاهش دهد. چنین برنامه‌هایی می‌توانند امنیت بیشتری ایجاد کنند و ریسک‌پذیری را تشویق کنند. به عنوان مثال، اگر بیمه درمانی خصوصی گران باشد، اشتغال دستمزدی می‌تواند جذاب‌تر باشد (Fairlie, 2011; Holtz-Eakin, 1996). هزینه‌های بیمه سلامت به عنوان یک عامل محدودکننده بر کارآفرین، به گستره و دسترسی سیستم بیمه سلامت وابسته است

(Fossen & König, 2017). یک شبکه ایمنی گسترش یافته می‌تواند فشار درآمدزایی بر کارآفرین را کاهش داده و خطرپذیری را تشویق کند (Henrekson, 2005). به‌ویژه برای برنامه‌های رفاهی مرتبط با نقل و انتقالات پولی (Heinemann, 2008).

اگر دولت بزرگتر به معنای خدمات و برنامه‌های موثر و کارآمد باشد، می‌تواند به معنای کیفیت بهتر نهاده‌ها، منابع و شرایط کارآفرینی باشد؛ بنابراین اندازه دولت می‌تواند فعالیت کارآفرینی را با تشویق افراد به کارآفرینی افزایش دهد.

بسیاری از کشورهای توسعه یافته دارای بیمه بیکاری و برنامه‌های بازار کار فعال برای ترویج کارآفرینی و تشویق افراد بیکار به سمت کارآفرینی هستند (Agwu, 2017; Fadahunsi & Rosa, 2002; Laffineur, 2017). افراد بیکار ممکن است مجبور به کارآفرینی شوند زیرا آنها هیچ گزینه دیگری ندارند. در حالی که حمایت‌ها و تدارکات شبکه امنیت^۱ ممکن است برای کوتاه مدت نیاز افراد بیکار را برآورده کند، این برنامه‌ها برای مدت طولانی از آنها حمایت نمی‌کنند بنابراین نیاز به تولید درآمد در بلندمدت افراد را به سمت کارآفرینی ضرورت محور سوق خواهد داد

فساد و کارآفرینی فرصت‌محور و ضرورت‌محور

فساد در بخش عمومی یک واقعیت بالفعل^۲ در بسیاری از کشورها است (Estrin, 2013; Rose-Acker-man, 2007). فساد معمولاً به عنوان استفاده از مناصب دولتی برای منافع شخصی در نظر گرفته می‌شود (Mauro, 1995; Rose-Ackerman, 2007). از یک سو، فساد می‌تواند با ارائه راهی برای دور زدن مقررات دست و پاگیر با پرداخت رشوه، اثر «روانکاری»^۳ برای کارآفرینان داشته باشد (Méon & Weill, 2010). از سوی دیگر، می‌تواند برای کسانی که نمی‌توانند پرداخت کنند، اثر «سنباده‌زنی»^۴ باشد (Shleifer & Vishny, 2002) چراکه سرمایه‌گذاری‌های جدید ممکن است منابع محدودی داشته باشند (Choi & Thum, 2005; Tonoyan, 2010).

کارآفرینان فرصت‌محور برای بهره‌برداری از فرصت‌ها به منابع مالی نیاز دارند و فساد می‌تواند محدودیت‌ها را بر منابع بسیار مهم افزایش دهد (Dreher & Gasbner, 2013). علاوه بر این، فساد هزینه‌هایی فراتر از هزینه‌های مالی آشکار را بر کارآفرینان تحمیل می‌کند و می‌تواند علاوه بر هزینه‌های پیش‌بینی شده کسب‌وکار،

-
1. Safety Net Provisions
 2. De Facto Reality
 3. Greasing Effect
 4. Sanding Effect

هزینه‌های مازادی از طریق دریافت هزینه‌های پنهان، بر کسب‌وکار تحمیل کند و با کاهش حجم کل بودجه در دسترس برای کسب‌وکار، وجوه را از سرمایه‌گذاری بهره‌ور منحرف کند. فساد علاوه بر هزینه‌های مالی، هزینه‌های غیر مالی نیز بر کارآفرین تحمیل می‌کند (Tonoyan, 2010). از جمله امتناع از مشروعیت بخشی به کسب‌وکار و اخذ مجوزهای لازم (Dreher & Gassebner, 2013)، درونی شدن هزینه‌های آموزش و کسب نیروی ماهر برای کارآفرین (Mauro, 1998) و افزایش عدم اطمینان در طول زمان به دلیل مبهم بودن هزینه و تعداد رشوه‌های آینده.

پیشینه پژوهش

استنکولا (۲۰۱۲) به بررسی اثر مالیات بر کارآفرینی در کشور سوئد پرداخت. وی در این مطالعه که از روش‌های مبتنی بر داده‌های سری زمانی استفاده کرد، نشان داد که مالیات بر نیروی کار و مالیات بر سرمایه اثر معنی‌داری بر کارآفرینی در سوئد نداشته، در حالی که مخارج اجتماعی دولت اثر منفی و معنی‌داری بر کارآفرینی در کشور مورد مطالعه دارد (Stankola, 2012).

بالیاموله لوتز (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ به بررسی اثر مالیات و سیاست‌های مالیاتی بر کارآفرینی در کشورهای عضو همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) پرداخت. وی در این مطالعه به این نتیجه رسید که حداکثر نرخ مالیات اثر منفی و معنی‌داری بر ایجاد کسب‌وکارهای جدید در کشورهای مورد مطالعه داشته در حالی که نرخ نهایی و متوسط مالیات اثر معنی‌داری بر ایجاد کسب‌وکار جدید در کشورهای منتخب OECD نداشته است (Baliamule Lutz, 2014).

بروس و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بین سیاست‌های مالیاتی در سطح محلی و کارآفرینی در آمریکا پرداختند. این پژوهشگران در این مطالعه با استفاده از داده‌های دوره زمانی ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۹ و روش مبتنی بر داده‌های پانلی به این نتیجه رسیدند که سیاست‌های مالیاتی محلی اثر معنی‌داری بر فعالیت‌های کارآفرینانه در آمریکا نداشته است (Bruce, 2015).

آلبلسجو و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی ارتباط بلندمدت بین فعالیت‌های کارآفرینی، فرار مالیاتی و فساد پرداخته‌اند. نمونه مورد مطالعه آنها ۱۵ کشور اروپایی طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۲ بود. نتایج نشان داد که فرار مالیاتی و فساد تأثیر منفی بر کارآفرینی دارند. این تأثیر در بنگاه‌های کارآفرین ضرورت‌محور^۲ به نسبت کمتر است چراکه این نوع کارآفرینان بدون استفاده از منابع درآمدی دیگر، کسب‌وکارهای خود را راه‌اندازی کرده‌اند. اما این کسب‌وکارها نسبت به ضعف‌های نهادی حساس‌تر هستند (Albulescu et al, 2016).

1. Organisation for Economic Co-operation and Development

2. Nnecessity-driven Entrepreneurs

سدلاک و ستریک (۲۰۱۹) با طراحی یک مدل پویای سطح بنگاهی^۱ بررسی تأثیر قانون کاهش مالیات و مشاغل سال ۲۰۱۷ آمریکا^۲ بر پویایی کسب و کارها طی دوره زمانی ۲۰۱۵-۱۹۸۰ را بررسی کرده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند اصلاحات مالیاتی ورود شرکت‌ها به صنعت را تحریک می‌کند و منجر به افزایش تقاضای نیروی کار و دستمزدها می‌شود. این امر باعث افزایش تعداد بنگاه‌ها و تولید کل، سرمایه‌گذاری و اشتغال است. آن‌ها در کل از اصلاحات مالیاتی به عنوان احیای کارآفرینی آمریکا^۳ یاد کردند (Sedlacek and Sterk, 2019).

نیوالی و فوگل (۱۹۹۴)، در مطالعات خود چهار عامل محیطی را که بر فرآیند ایجاد شرکت‌های نوپا تأثیر دارند، معرفی کرده‌اند. این چهار عامل شامل رویکردها و سیاست‌های دولت، شرایط اقتصادی و اجتماعی، مهارت‌های شغلی و کارآفرینی و حمایت‌های مالی و غیرمالی هستند. نتایج این مطالعه با استفاده از مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که این چهار عامل دارای تأثیر معنی‌داری بر ایجاد شرکت هستند (Gnyawali and Fogel, 1994). صمدی (۱۳۹۶)، به بررسی اثر سیاست‌های مالیاتی بر کارآفرینی برای سه گروه از کشورهای منبع محور، کارایی محور و نوآور محور طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ به روش پانل دیتا پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که اثر نرخ مالیات بر فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای با طبقه‌بندی مختلف متفاوت است، به صورتی که نرخ مالیات در کشورهای منبع محور و کارایی محور بر کارآفرینی اثر منفی و معنی‌داری داشته و در کشورهای نوآور محور این اثر معنی‌دار نبوده است.

محمدی خیاره (۱۳۹۷)، تأثیر بلندمدت و مشترک فرار مالیاتی و فساد بر فعالیت‌های کارآفرینانه با استفاده از داده‌های ۳۶ کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۰ بررسی کرده است نتایج بیانگر تأثیر منفی فساد بر هر سه مرحله انگیزه کارآفرینی، کارآفرینی نوپا و کارآفرینی تثبیت شده بود. همچنین نشان داد فرار مالیاتی بر کارآفرینی نوپا و تثبیت شده تأثیر منفی دارد، درحالی که بر انگیزه کارآفرینی تأثیر مثبت دارد. در نتیجه، اگر کارآفرینی یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی باشد، سیاست‌گذاران و دولت در هنگام تلاش برای کاهش فرار مالیاتی، باید هم‌زمان سیاست‌هایی را نیز در مبارزه با فساد اتخاذ کرده و ضعف‌های نهادی را مرتفع کنند.

محمدزاده و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به شناسایی عوامل تعیین‌کننده موفقیت کارآفرینان در شهرک صنعتی شهید سلیمی تبریز پرداختند. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که سطح تجربه، سرمایه فیزیکی، حمایت‌های مالی و غیر مالی دولت، نگرش به کارآفرینی، ارزش‌های ذهنی و باور به خودکارآمدی تأثیر مثبت و معنی‌دار بر سطح موفقیت کارآفرینان داشته است. همچنین متغیر

1. Firm dynamics model

2 The 2017 Tax Cuts and Jobs Act

3 . Reviving American Entrepreneurship

سطح تحصیلات نیز دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر سطح موفقیت کارآفرینان بوده است. ابونوری (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی موانع کارآفرینی با توجه ویژه به بحث حقوق مالکیت کارآمد پرداختند. به این منظور از داده‌های تابلویی سالهای (۲۰۱۰-۲۰۰۸) برای کشورهای منتخب (کشورهای کارائی محور و کشورهای نوآوری محور) استفاده کردند. نتایج آنها نشان داد که اولاً کارایی حقوق مالکیت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کارآفرینی دارد؛ و ثانیاً میزان سرمایه-گذاری دولت‌ها بر روی آموزش رابطه مثبت و معنی‌داری با کارآفرینی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری این تحقیق، با تطبیق داده‌های منابع (کارآفرینی گروه بانک جهانی (WBGES)، شاخص‌های توسعه جهانی (WDI)، گزارش سهولت انجام کسب و کار (DB)، گزارش شاخص‌های جهانی حکمرانی خوب (WGI)، پایش جهانی کارآفرینی (GEM)، و صندوق بین‌المللی پول)، ۲۸ کشور^۱ برای دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۰ را پوشش می‌دهد و شامل ۲۷۲ مشاهده است. در این پژوهش از داده‌های پانل نامتعادل با مقادیر مستور برای چندین کشور استفاده شده است و پس از بررسی مانایی متغیرها و آزمون‌های انتخاب نوع تخمین، از روش اثرات ثابت برای تخمین استفاده شده است و برای رفع ناهمسانی واریانس، مدل به صورت (FGLS) برآورد گردیده است.

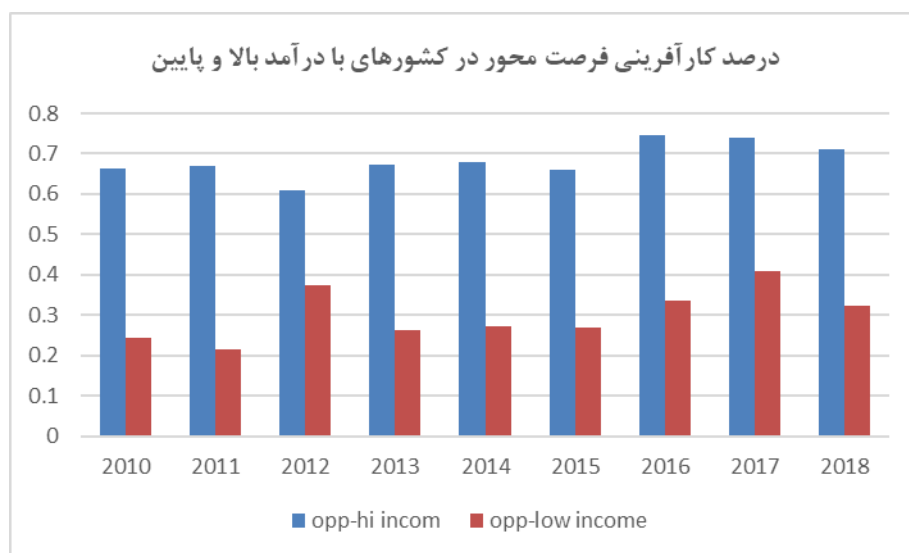
معرفی متغیرها

متغیرهای وابسته

برای کارآفرینی از دو معیار (کارآفرینی ضرورت‌محور و کارآفرینی فرصت‌محور)، برگرفته از گزارشات GEM استفاده می‌شود. این دو معیار بصورت زیر مجموعه‌ای از کل فعالیت کارآفرینی (TEA^۲) محاسبه می‌شوند. کارآفرینی فرصت‌محور به عنوان درصدی از کل فعالیت کارآفرینی با انگیزه بهره‌گیری از فرصت اندازه‌گیری می‌شود در حالی که کارآفرینی ضرورت‌محور به عنوان درصدی از کل فعالیت کارآفرینی قلمداد می‌شود که به دلیل ضرورت و عدم وجود فرصت‌های شغلی مناسب انجام می‌پذیرد. (Reynolds, 2015; Block and Sandner, 2009; Nikolaev, 2018). این تمایز به محققان این امکان را داده است که تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی را بر انگیزه کارآفرینی مشاهده کنند (Hechavarria, Reynolds, 2009).

۱. کشورهای مورد بررسی شامل: کانادا، نروژ، چین، لهستان، کرواسی، رومانی، مصر، روسیه، فنلاند، اسلواکی، فرانسه، اسلونی، آلمان، آفریقای جنوبی، یونان، کره جنوبی، گواتمالا، اسپانیا، ایران، سوئد، ایرلند، سوئیس، اسرائیل، تایلند، ایتالیا، ترکیه، زاین، امارات، لیتوانی، انگلستان، لوکزامبورگ، آمریکا، هلند
2 Total early-stage Entrepreneurial Activity
شاخص کل فعالیت کارآفرینی در مراحل اولیه، به عنوان درصدی از جمعیت تعریف می‌شود که یا یک کارآفرین نوپای به طور فعال در شروع یک سرمایه‌گذاری جدید مشارکت دارد یا مالک-مدیر یک کسب و کار جدید با سابقه ای کمتر از ۴۲ ماه.

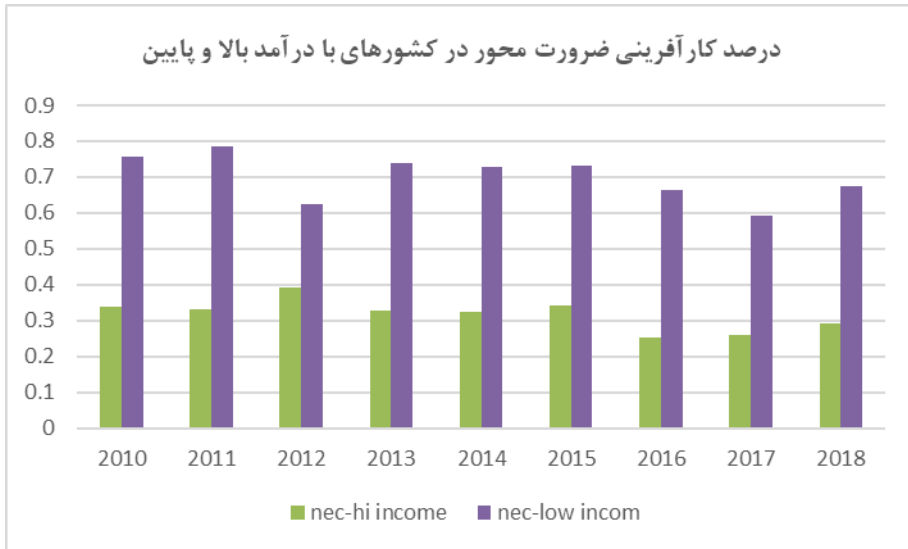
نمودار ۱. مقایسه درصد کارآفرینی فرصت محور در کشورهای با درآمد بالا (OPP-HI) و پایین (OPP-LI)



منبع: محاسبات تحقیق

کشورهای با درآمد بالا، بخشی از کشورهای مورد بررسی است که درآمد سرانه بالاتر از ۲۵۰۰ دلار دارند. روند اطلاعات نشان می‌دهد که در کشورهایی با درآمد سرانه بالاتر، بیش از ۷۵ درصد از کارآفرینی، فرصت محور است. در حالی که در کشورهای با درآمد پایین‌تر (در حال توسعه)، این رقم کمتر از ۴۰ درصد است و در مقابل، همانطور که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود کارآفرینی ضرورت محور که هدف ایجاد فرصت شغلی را دنبال می‌کند، در کشورهای با درآمد سرانه بالاتر کمتر و در کشورهای با درآمد سرانه پایین‌تر بیشتر است.

نمودار ۲. مقایسه درصد کارآفرینی ضرورت‌محور در کشورهای با درآمد بالا (OPP-HI) و پایین (OPP-LI)



منبع: محاسبات تحقیق

متغیرهای توضیحی

متغیرهای توضیحی این پژوهش شامل متغیرهای مربوط به اندازه دولت، مالیات و فساد به شرح زیر است:

- اگر دولت بزرگتر به معنای خدمات و برنامه‌های موثر و کارآمد باشد، می‌تواند به معنای کیفیت بهتر نهاده‌ها، منابع و شرایط کارآفرینی باشد؛ بنابراین اندازه دولت می‌تواند فعالیت کارآفرینی را با تشویق افراد به کارآفرینی افزایش دهد. ولی اگر بخش عمومی بسیار بزرگ باشد، ممکن است گزینه‌های بازار کارآفرینان بالقوه را کاهش دهد زیرا ارائه خدمات ارزان در بخش‌های خدماتی مانند بهداشت، آموزش، مراقبت از سالمندان یا کودکان و غیره، و همچنین سیستم‌های سخاوتمندانه تأمین اجتماعی ممکن است باعث کاهش فعالیت‌های کارآفرینی شود، به ویژه بر کارآفرینی ضرورت‌محور (هنرکسون، ۲۰۰۵). علاوه بر این، مالیات و تأمین اجتماعی ممکن است از طریق تأثیر آن بر بازده مورد انتظار و هزینه فرصت، مانع ورود کارآفرینان شود (پارکر، ۲۰۰۴)، سوبل و همکاران (۲۰۰۷)، نیستروم (۲۰۰۸) و آیدیس و همکاران (۲۰۱۲). در این پژوهش، انواع مختلفی از مخارج دولت (به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی) برگرفته از آمار مالی دولت از صندوق بین‌المللی پول (GFS، 2021) برای

اندازه‌گیری ارتباط بین اندازه دولت و انواع کارآفرینی استفاده می‌شود (مانند هزینه‌های مربوط به نظم و امنیت عمومی به تولید ناخالص داخلی، هزینه‌های مربوط به امور اقتصادی به تولید ناخالص داخلی (Aydis, 2012; Strain, 2013).

• شاخص فساد از WGI گرفته شده است، که نشان دهنده میزان اعمال قدرت عمومی برای منافع خصوصی، از جمله اشکال خرد و بزرگ فساد و تسخیر نخبگان دولتی و منافع خصوصی است (Anokhin & Schulze, 2009). از یک سو، فساد می‌تواند با ارائه راهی برای دور زدن مقررات دست و پاگیر با پرداخت رشوه، اثر «روانکاری»^۱ برای کارآفرینان داشته باشد (Méon & Weill, 2010). از سوی دیگر، می‌تواند برای کسانی که نمی‌توانند پرداخت کنند، اثر «سنباده‌زنی» داشته باشد (Shleifer & Vishny, 2002) چراکه سرمایه‌گذاری‌های جدید ممکن است منابع محدودی داشته باشند (Choi & Thum, 2005; Tonoyan, 2010).

• معیار مد نظر در این پژوهش، برای نرخ مالیات، درصد مالیات و مشارکت‌های اجباری قابل پرداخت توسط مشاغل پس از کسر و معافیت در سود تجاری است. سیاست مالیاتی یک کشور تأثیر عمده‌ای بر تصمیم یک فرد برای کارآفرین شدن دارد، زیرا می‌تواند این فعالیت را در مقایسه با دستمزدی که برای کارش ارائه می‌شود، کم و بیش جذاب کند. مطابق با مطالعات تجزیه و تحلیل این شاخص (Arin, 2013; Vidal-Suñé, Lopez-Panisello, 2013; Huang, Minniti, 2015)، نرخ‌های مالیاتی بالا منجر به کاهش خوداشتغالی می‌شود، زیرا به عنوان مانعی برای شروع کسب و کار جدید دیده شده و منجر به کاهش فعالیت‌های تجاری می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود بین نرخ مالیات و فعالیت کارآفرینی رابطه منفی وجود داشته باشد. بنابراین زمان مالیات از پایگاه داده DB نیز در نظر گرفته شده است که به عنوان تعداد روزهای مورد نیاز برای تهیه و پرداخت مالیات اندازه‌گیری می‌شود (Blitsky, 2016).

متغیرهای کنترل

• تولید ناخالص داخلی سرانه GDP سرانه - بیان شده به عنوان نرخ رشد سالانه) از عوامل مهم اقتصاد کلان هستند که می‌توانند بر فعالیت کارآفرینی تأثیر بگذارند. بر اساس برخی مطالعات (Vidal-Suñé, 2010; Lopez-Panisello, 2013; Klapper, Amit, Guillén, 2010)، افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیر مثبتی بر کارآفرینی دارد، زیرا افزایش درآمد می‌تواند با افزایش تقاضا فعالیت کارآفرینی را تحریک کند. مطالعه دیگر (Arin, Huang, Minniti, 2015) نشان می‌دهند در کشورهای فقیرتر،

- رابطه بین تولید ناخالص داخلی سرانه و کارآفرینی می‌تواند منفی است، زیرا سطوح پایین تولید ناخالص داخلی باعث می‌شود افراد به دلیل نداشتن گزینه‌های شغلی، کسب و کار خود را راه اندازی کنند.
- سرمایه انسانی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد و یک نگرش نظری معمولی برای مطالعه کارآفرینی است (Marvel, 2016). معیار مد نظر در این پژوهش، برای سرمایه انسانی درصد جمعیت ثبت نام شده در آموزش عالی است که از WDI گرفته شده است. شاخص ورود به آموزش عالی می‌تواند تأثیر مهمی بر کارآفرینی داشته باشد. دسترسی به آموزش عالی می‌تواند مهارت‌ها و دانش فنی را بهبود داده و شبکه‌سازی و ارتباطات را تسهیل کند. همچنین، می‌تواند قدرت اجتماعی و اطلاعات بازار را افزایش داده و فرصت‌های کسب‌وکار را شناسایی کند. بنابراین، افزایش تعداد افراد دارای آموزش عالی و وجود شاخص ورود به آموزش عالی می‌تواند تأثیر مثبتی بر کارآفرینی و رشد کسب‌وکارها داشته باشد (Tuijnman, 2002).
 - مجموعه‌ای از مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین مشکلات کارآفرینی، به ویژه برای شرکت‌های کوچک و جوان، سهولت دسترسی به منابع مالی است. اعتبارات داخلی به‌بخش خصوصی توسط بانک‌ها به عنوان یک نماینده برای دسترسی به منابع مالی است و می‌تواند به طور مثبت با کارآفرینی همبستگی داشته باشد (Choudhury, 2019; Arin, Huang, Minniti, 2015). اما اگر اعتبارات کاهش یابد، ممکن است کارآفرینی برای جبران آن ایجاد شود.
 - نرخ بیکاری از دیگر متغیرهای کلان اقتصادی است که می‌تواند بر فعالیت کارآفرینی تأثیر بگذارد. ویوارلی (۲۰۱۳) نشان داد که از دست دادن شغل عامل مهمی است که تأسیس شرکت جدید را تحریک می‌کند و چرا که کارآفرینی ضرورت محور راهکاری برای مقابله با در نظر گرفته می‌شود. او همچنین نشان داد که بیکاری نقش مهمی در برخی کشورها در طول رکود اقتصادی ایفا می‌کند. ولی بر اساس مطالعات تجربی مختلف (Lopez-Panisello, 2013; Arin, Huang, Minniti, 2015; Vidal-Suñé, 2013; Vivarelli, 2013)، رابطه بین نرخ بیکاری و کارآفرینی نامشخص است. از یک سو، افزایش قابل توجه نرخ بیکاری ممکن است منجر به کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات شود که فرصت‌های تجاری را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، افزایش بیکاری ممکن است باعث شود افراد بیشتری به دلایل ضروری، کسب و کار خود را انتخاب کنند.
 - ادراک کارآفرینان از محیط و میزان حمایت‌های دولت در فراهم ساختن محیط مناسب مهم است (Strain, 2013). بنابراین، حمایت دولت از کارآفرینی در نظر گرفته شده است که به صورت میزان حمایت سیاست‌های عمومی از کارآفرینی جمع‌آوری شده از GEM اندازه‌گیری می‌شود. انتظار می‌رود این متغیر تأثیر مثبتی بر فعالیت کارآفرینی داشته باشد.

بنابراین، کارآفرینی و عوامل موثر بر آن می‌تواند در کشورها با توجه به مرحله توسعه اقتصادی آنها متفاوت باشد و نیازمند آزمون تجربی است.

تصریح مدل

مدل اقتصادسنجی مورد نظر در این مطالعه براساس مطالعات نظری و کاربردی و با الهام از مطالعه اودریچ و همکاران (۲۰۲۲) به صورت زیر تصریح می‌گردد (Audretsch, 2022):

معادله تخمین با متغیر وابسته کارآفرینی (فرصت‌محور و ضرورت‌محور) در حالت کلی به صورت زیر تصریح

می‌گردد:

$$E_{jit} = f(X_{it}, Z_{it}, u_{it}, C_i)$$

E_{jit} متغیر وابسته کارآفرینی فرصت‌محور و ضرورت‌محور Z در سال t و در مقطع i است. به همین ترتیب X_{it} شامل مجموعه متغیرهای توضیحی اصلی، Z_{it} متغیرهای کنترلی، u_{it} جملات اختلال و C_i عرض از مبدأ به ازای هر مقطع است. در مدل تکمیلی متغیرهای مرتبط با هزینه کرد دولت نیز به مجموعه متغیرهای کنترلی مدل پایه اضافه شده است. دوره زمانی مطالعه ۲۰۱۸-۲۰۱۰ می‌باشد.

یافته‌ها

ایستایی و همبستگی متغیرها

به منظور بررسی روابط بین متغیرها از برآورد به صورت داده‌های پانلی استفاده می‌شود. قبل از برآورد مدل، ابتدا ایستایی یا نایستایی متغیرهای مطالعه با استفاده از آزمون لوین، لین و چو مورد بررسی واقع می‌گردد. نتایج بررسی ریشه واحد متغیرها مطالعه در (جدول ۱) ارائه شده است.

جدول (۱) - نتایج آزمون ریشه واحد متغیرهای مطالعه

تحلیل همبستگی متغیرها		تحلیل ایستایی متغیرها		
ENA	OPP	درجه ایستایی	آماره	نام متغیر
-	۱	(۰)I	-۴۲.۳	OPP
۱	-	(۰)I	-۵.۱۵	ENA
-۰.۱۵	۰.۰۹	(۰)I	-۶.۱۹	CREDIT
-۰.۲۸	-۰.۱۰	(۰)I	-۱۰.۹۰	TAXR
-۰.۳۱	۰.۴۳	(۰)I	-۲.۵۲	CORR
-۰.۲۶	۰.۰۲	(۰)I	-۶.۵۳	FD
۰.۱۱	۰.۲۱	(۰)I	-۷۱.۵۱	NBD
-۰.۲۳	-۰.۴۶	(۰)I	-۵.۰۶	UEM
-۰.۰۳	۰.۲۵	(۰)I	-۹.۰۷	GSP
۰.۳۲	۰.۴۰	(۰)I	-۴.۴۷	LF
-۰.۲۶	-۰.۱۶	(۰)I	-۳.۶۴	EGP
-۰.۰۸	-۰.۲۶	(۰)I	-۶.۵۲	EEA
۰.۱۰	-۰.۱۴	(۰)I	-۱۰.۶۶	EHC
-۰.۲۸	۰.۰۶	(۰)I	-۳.۴۷	ER
-۰.۶۵	-۰.۰۵	(۰)I	-۲.۰۰	ESP
-۰.۲۱	۰.۲۳	(۰)I	-۵.۲۳	EDUEX
۰.۰۸	-۰.۲۸	(۰)I	-۲.۰۸	EOS

ماخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج به دست آمده، ایستایی متغیرهای مطالعه در سطح تأیید گردیده و به عبارتی متغیرهای مطالعه ریشه واحد ندارند. بررسی همبستگی بین متغیرهای مدل (جدول ۱) نشان می‌دهد، کارآفرینی ضرورت‌محور و فرصت‌محور دارای همبستگی منفی هستند. هزینه‌های نظم و تامین امنیت عمومی، هزینه‌های مخارج مسکن و تسهیلات اجتماعی و امور اقتصادی به طور مثبت با کارآفرینی ضرورت‌محور مرتبط هستند، در حالی که با کارآفرینی فرصت‌محور ارتباط منفی دارند. فساد به طور مثبت با کارآفرینی ضرورت و منفی با کارآفرینی فرصت همبستگی دارد.

آزمون انتخاب نوع تخمین داده‌های پانل

نظر به مانایی متغیرهای مدل، انتخاب روش مناسب برای مدل داده‌های پانل از طریق تست اضافی بودن اثرات ثابت (F-test)، اضافی بودن اثرات تصادفی (آزمون هاسمن) و آزمون ناهمسانی واریانس (آزمون LR) انجام شده است. با توجه لحاظ دو متغیر وابسته (کارآفرینی فرصت و ضرورت محور) و دو تصریح مدل به صورت مدل پایه و مدل تکمیلی (با اضافه شدن متغیرهای مربوط به مخارج دولت) نتایج چهار گروه از آزمون آماره‌های مذکور در (جدول ۲) خلاصه شده است.

جدول (۲) - نتایج آزمونهای انتخاب نوع تخمین

مدل تکمیلی		مدل پایه					
FGLS	اثرات تصادفی	اثرات ثابت	FGLS	اثرات تصادفی	اثرات ثابت	آماره آزمون	متغیر وابسته
-	-	۱۳.۱۲ ***	-	-	۰۳.۱۴ ***	F-Test	کارآفرینی
-	۲۱.۳۶ ***	-	-	۴۴.۲۶ ***	-	Hausman Test	فرصت محور (OPP)
۰۲.۱۷۳ ***	-	-	۰۷.۱۷۴ ***	-	-	Lr Test	
-	-	۸۳.۱۰ ***	-	-	۱۷.۹ ***	F-Test	کارآفرینی
-	۱.۱۷	-	-	۰۱.۸	-	Hausman Test	ضرورت محور (ENA)
۵۲.۳۸۸ ***	-	-	۹۸.۱۷۸ ***	-	-	Lr Test	

در تمامی گروه‌های آزمون مورد اشاره، فرضیه صفر مبنی بر اضافی بودن اثرات ثابت است (آزمون F-test) که با آماره F و χ^2 آزمون می‌شوند) رد شده است که نشان از معنی دار بودن اثرات متغیر بین متغیرها در هر مقطع آماری است. همچنین به صورت مشترک بین گروه‌ها، نتایج آزمون هاسمن نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی در مدل رد شده است. بر این اساس تمامی مدل‌ها، ویژگی‌های مربوط به هر کشور در قالب عرض از مبداها قابل اهمیت است و بنابراین تخمین با اثرات ثابت انجام می‌پذیرد.

اما با توجه به اینکه ناهمسانی واریانس بین جملات اختلال می‌تواند تخمین و تفسیر مدل‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، آزمون ناهمسانی واریانس در گروه مدل‌ها انجام شده است. در این آزمون، ناهمسانی واریانس بین جملات اختلال دو مدل رگرسیون مقید و نامقید تخمین زده می‌شود و بر اساس آماره آزمون نسبت راستنمایی^۱ به آزمون فرضیه ناهمسانی واریانس پرداخته می‌شود. نتایج برآورد مدل در تمامی گروه‌ها نشان می‌دهد که فرض ناهمسانی واریانس رد نمی‌شود و بر در نتیجه مدل نهایی برای تخمین مدل‌ها، روش اثرات ثابت به صورت FGLS انتخاب شده است.

1. Likelihood Ratio

جدول (۳) - نتایج حاصل از تخمین در دو حالت مدل پایه و مدل تکمیلی

مدلی تکمیلی		مدل پایه		شرح متغیر	متغیر	نوع
ENA	OPP	ENA	OPP			
-۱.۰۴** (-۲.۳۸)	۴.۴۸** (۲.۵۷)	-۱.۱۳*** (-۳.۳۳)	۶.۹۰*** (۳.۸۹)	سطح درآمد سرانه (۱ برای کشورهای بالای ۲۵۰۰ دلار و ۰ برای سایر)	RICH	متغیرهای اصلی
-۰.۰۱ (-۱.۱۸)	-۰.۱۴*** (-۲.۴۲)	-۰.۰۱** (-۲.۳۴)	-۰.۲۲*** (-۴.۹۸)	نرخ مالیات بر درآمد	TAXR	
۰.۰۰۵** (۲.۹۴)	۰.۰۸*** (۳.۱۶)	۰.۰۰۵ (۱.۲۲)	۰.۱۱*** (۴.۲۶)	درصد افرادی که تحصیلات در مقطع آموزش عالی کسب نموده‌اند.	HC	
۱.۰۴*** (۳.۰۱)	-۰.۹۲* (۱.۷۲)	۱.۴۷*** (۷.۹۱)	-۱.۱۳** (-۲.۰۵)	تصور عمومی بر بکارگیری قدرت به نفع منافع خصوصی	CORR	
۰.۰۰۰۱ (۰.۰۷)	-۰.۰۰۰۶ (-۰.۰۶)	۰.۰۰۰۲ (۰.۱۸)	۰.۰۲*** (۳.۰۶)	زمان لازم برای تسویه مالیات بر درآمد	PTAX	
۰.۰۲*** (۵.۴۹)	۰.۰۷*** (۵.۷۰)	۰.۰۲*** (۹.۳۵)	۰.۱۰*** (۱۰.۹۵)	شاخص توسعه مالی (درصد اعتبارات به‌بخش خصوصی از تولید ناخالص داخلی)	FD	
۰.۲۷*** (۷.۵۵)	۰.۷۹*** (۷.۷۶)	۰.۲۹*** (۱۰.۲۵)	۰.۷۰*** (۷.۰۳)	شاخص تراکم کسب‌وکارهای جدید	NBD	
۰.۰۰۲ (۰.۱۰)	-۱.۱۰*** (-۱۰.۰۳)	۰.۱۰* (۱.۸۲)	-۱.۱۷*** (-۱۰.۹۷)	نرخ بیکاری	UEM	
-۰.۰۰۰۶ (-۰.۲۰)	-۰.۰۳ (۱.۱۰)	-۰.۰۰۴* (-۱.۷۶)	-۰.۰۹* (-۱.۸۲)	درصد افراد که توانسته‌اند طی ۵ سال گذشته اعتبارات مالی دریافت کنند.	CREDIT	
۰.۲۹ (۱.۵۹)	۰.۲۳ (۰.۴۷)	۰.۱۴ (۰.۹۷)	۰.۱۷ (۰.۲۵)	شاخص حمایت از کارآفرینی توسط دولت	GSP	
۰.۲۱*** (۳.۹۰)	۰.۴۴** (۲.۲۵)	۰.۳۳*** (۱۲.۰۱)	۰.۲۵** (۲.۰۱)	نرخ مشارکت نیروی کار	LF	
۰.۳۹*** (۳.۸۰)	۲.۱۳** (۱.۸۰)			درصد مخارج نظم و امنیت عمومی از GDP	EOS	
-۰.۳۸ (-۱.۰۹)	-۰.۲۳ (-۱.۵۱)			درصد هزینه در امور اقتصادی از GDP	EEA	
۰.۰۲ (۰.۵۱)	-۲.۶۴*** (-۲.۳۷)			درصد مخارج مسکن و تسهیلات اجتماعی از GDP	EHC	
-۰.۲۸ (-۱.۰۹)	۷.۳۹*** (۳.۲۸)			درصد هزینه‌های توسعه فرهنگی از GDP	ER	
۱.۳۴** (۲.۷۶)	-۱.۶۰ (-۱.۶۱)			درصد هزینه آموزش از GDP	EDUEX	
-۰.۰۹* (-۱.۹۵)	-۰.۱۴ (-۰.۵۷)			درصد هزینه‌های حمایت اجتماعی از GDP	ESP	
-۰.۰۰۷ (-۰.۰۸)	-۱.۶۸*** (-۵.۶۶)			درصد مخارج خدمات عمومی از GDP	EGP	

ماخذ: محاسبات تحقیق

***, **, * به ترتیب نشان دهنده معنی‌داری متغیر در سطح خطای ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ می‌باشد.

نتایج در (جدول ۳) با تصریح مدل مطالعه در دو حالت مدل پایه و مدل تکمیلی (با لحاظ متغیرهای اصلی و اضافه کردن شاخص‌های هزینه‌ای دولت) و برای دو متغیر وابسته کارآفرینی فرصت‌محور (OPP) و ضرورت‌محور (ENA) ارائه شده است که چهار حالت را شامل می‌شود.

بر پایه نتایج تخمین، سطح رشد اقتصادی کشورها رابطه مثبت و معنی‌دار (۴۰۴۸) و سطح اطمینان بیش از ۹۵٪) با میزان کارآفرینی فرصت‌محور و رابطه منفی با کارآفرینی ضرورت‌محور (۱۰۰۴-) دارد. بدین معنی که با افزایش درآمد سرانه، کارآفرینان عمدتاً فرصت‌های نوآوری را دنبال می‌کنند؛ در حالی که در کشورهای با درآمد سرانه پایین‌تر، عمده کارآفرینی معطوف به نوع ضرورت‌محور و برای ایجاد فرصت اشتغال است. نتایج بدست آمده با مبانی نظری و مطالعاتی از جمله ویدال-سونه، لویز-پانیسلو (۲۰۱۳) و کلاپر، آمیت، گیلن (۲۰۱۰) و آرین، هوانگ، مینیتی (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

همچنین نرخ مالیات بر درآمد اثر منفی بر هر دو نوع کارآفرینی ضرورت و فرصت‌محور دارد اما افزایش نرخ مالیات اثر کاهنده بیشتری بر کارآفرینی فرصت‌محور نشان می‌دهد. بنابراین، رشد نرخ مالیات، کارآفرینی فرصت‌محور را که متحمل کاهش جذابیت می‌شود، بیشتر از کارآفرینی ضرورت‌محور که انگیزه شکل‌گیری آن برای ایجاد اشتغال است، تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نتیجه با انتظارات تحقیق و همچنین با یافته‌های برخی مطالعات مطابقت دارد (Sayed, Slimane; 2014; Vidal, Lopez, 2013).

به صورت مشابه، نرخ ورود نیروی انسانی به دانشگاه به عنوان شاخص سرمایه انسانی در مدل پایه، اثرگذاری بیشتری در کارآفرینی فرصت‌محور (۱۱۰۰) نسبت به کارآفرینی ضرورت‌محور (۰۰۵۰۰) نشان می‌دهد. با اضافه شدن هزینه‌های عمومی دولت در مدل کامل، میزان تأثیرگذاری شاخص مذکور بر کارآفرینی فرصت‌محور کمتر شده است (۰۰۸۰۰) اما در مورد کارآفرینی ضرورت‌محور این موضوع صادق نمی‌باشد. برخی مطالعات از جمله مطالعات مارول تایید کننده این نتیجه می‌باشد.

• فساد عمومی بر کارآفرینی فرصت‌محور اثر معکوس دارد (۰۰۹۲-) و این در حالی است که اثرات مثبت و معنی‌داری بر کارآفرینی ضرورت‌محور (۰۴۰۱) محاسبه شده است. همان‌طور که در مبانی نظری گفته شد، نتایج بدست آمده مطابق بر نتیجه مطالعاتی از جمله میون و ویل می‌باشد و نشان می‌دهد که در کشورهای مورد بررسی ممکن است فساد اثر «روانکاری» برای کارآفرینان داشته باشد. همچنین می‌توان گفت در کشورهایی که فساد عمومی شاخص بالاتری را کسب کرده است و طبیعتاً توسعه اقتصادی در اثر آن محدود مانده است، دولت تمایل بیشتری برای اعطای رانت به کارآفرینان برای نمایش کارایی خود دارد. این امر کارآفرینی فرصت‌محور را تحریک نمی‌کند اما کارآفرینی ضرورت‌محور که بدلیل محدود بودن فرصت‌ها، تمایل به پذیرش ریسک بالاتری دارند را ترغیب به استفاده از امکانات

برای توسعه فعالیت خود می‌کند.

نتایج تجزیه و تحلیل تجربی تحقیق در مورد دسترسی به منابع مالی نشان دهنده یک رابطه مثبت است، تقویت این شاخص اثر مثبتی بر کارآفرینی در هر دو شکل دارد هرچند تأثیر توسعه مالی بر رشد کارآفرینی فرصت‌محور بیشتر می‌باشد. که این نتیجه منطبق بر نتایج مطالعاتی از جمله چودوری و همکاران، ۲۰۱۹، آرین، هوانگ، مینیتی (۲۰۱۵)، ویدال-سونه، لویز-پانیسلو (۲۰۱۳) می‌باشد.

همچنین میزان تراکم کسب و کار اثر مثبت بر کارآفرینی در هر دو سطح فرصت‌محور و ضرورت‌محور دارد. این امر بدین معنی است که بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس در توسعه کارآفرینی صادق است (حداقل در بازه زمانی تحقیق) و توسعه کسب و کارها، فرصت‌های بیشتری برای کارآفرینی‌های جدید ایجاد می‌کند.

بر اساس نتایج مدل پایه نرخ بیکاری دارای تأثیر منفی بر کارآفرینی فرصت‌محور (۰.۱۷-) و اثرگذاری مثبت بر کارآفرینی ضرورت‌محور (۰.۱۰ در سطح اطمینان ۹۰٪) است. با احتیاط می‌توان گفت بیکاری بالا کارآفرینی ضرورت‌محور را ترویج می‌دهد اما به عنوان مانعی برای کارآفرینی فرصت‌محور به حساب می‌آید.

چنانچه به صورت مشابه، افزایش نرخ مشارکت نیروی کار اثر مثبت و معنی‌دار بر هر دو نوع کارآفرینی نشان می‌دهد. اگرچه نرخ بیکاری بالا با تأثیر بر هزینه‌های نیروی انسانی در طرح‌های کارآفرینی، می‌تواند اثر مثبت داشته باشد اما اثرپذیری منفی کارآفرینی فرصت‌محور می‌تواند بدلیل تأثیر بزرگتر ناشی از محدود بودن بازار به دلیل بالا بودن بیکاری و قدرت خرید باشد.

در مقابل علی‌رغم انتظار، اثرگذاری شاخص حمایت دولتی از کارآفرینی بر هر دو نوع از کارآفرینی رد شده است. این موضوع در ارتباط با تأثیر انواع هزینه‌های دولت به خصوص در کارآفرینی ضرورت‌محور صادق است.

در میان انواع هزینه‌های دولتی، سهم مخارج دولت در توسعه فرهنگی حائز بیشترین اثر مثبت بر کارآفرینی فرصت‌محور است که می‌تواند به عنوان زیرساخت برای پذیرش کسب و کارهای نوآور با ارزش پیشنهادی جدید قلمداد گردد که نتایج بدست آمده همسو با نتایج مطالعاتی چون آدرتس، بلیتسکی (۲۰۲۲) است (Audretsch, Belitski, 2022). پس از آن، سهم مخارج دولتی در ایجاد نظم و امنیت عمومی دارای بیشترین اثر مثبت بر کارآفرینی فرصت‌محور است. در مقابل سهم مخارج مرتبط با توسعه دارایی‌های ثابت و سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی اثر منفی بر کارآفرینی فرصت‌محور دارد. انحراف تمرکز کسب و کارها از ایجاد ارزش از طریق نوآوری و تمرکز جایگزین بر توسعه دارایی‌های فیزیکی از یک طرف و جایگزینی دولت از طریق گسترش سهم مخارج از طرف دیگر، به عنوان دلایل کاهش انگیزه کارآفرینی فرصت‌محور قابل ارائه است.

در مقابل، کارآفرینی ضرورت‌محور بیشترین تأثیر مثبت را از مخارج مرتبط با آموزش دریافت می‌کند که بخشی از این آموزش‌ها نیز جهت توسعه کارآفرینی به افراد و استارت‌آپ‌ها در مراحل اولیه کسب و کار اختصاص دارد.

همچنین هزینه‌های مرتبط با برقراری نظم و امنیت عمومی تأثیر مثبت بر کارآفرینی ضرورت‌محور دارد. سایر هزینه‌های دولتی تأثیر چندانی بر توسعه این نوع از کارآفرینی ندارد.

جدول (۴) - جمع‌بندی نتایج تحقیق

ردیف	متغیر	کارآفرینی ضرورت‌محور	کارآفرینی فرصت‌محور
۱	سطح توسعه یافتگی کشورها	منفی	مثبت
۲	نرخ مالیات بر درآمد	منفی	منفی
۳	سرمایه انسانی	مثبت	مثبت
۴	فساد عمومی	مثبت	منفی
۵	توسعه مالی که به عنوان در دسترس بودن منابع مالی	مثبت	مثبت
۶	تراکم کسب و کار	مثبت	مثبت
۷	نرخ بیکاری	مثبت	منفی
۸	نرخ مشارکت نیروی کار	مثبت	مثبت
۹	حمایت دولتی از کارآفرینی	مثبت	مثبت
۱۰	مخارج دولت در توسعه فرهنگی	تأثیر جزئی	مثبت
۱۱	مخارج دولتی در ایجاد نظم و امنیت	مثبت	مثبت
۱۲	مخارج مرتبط با توسعه دارایی‌های ثابت دولت	تأثیر جزئی	منفی
۱۳	مخارج مرتبط با آموزش	مثبت	تأثیر جزئی

ماخذ: محاسبات تحقیق

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در چند دهه گذشته سیاست‌گذاران دولتی، در جوامع مختلف به دنبال تدوین خط مشی‌های کارآفرینی برای رشد اقتصادی بوده‌اند. دولت‌ها انتظار دارند با اجرای برخی سیاست‌ها، ساختار نهادی فعالیت‌های کارآفرینانه را شکل داده و آنها را به سمت فعالیت‌های مورد هدف هدایت نمایند. مهمترین ابزارهای حمایتی دولت‌ها در بخش کارآفرینی از میان انبوه سیاست‌ها و ابزارهای دولتی، سیاست‌هایی همچون حمایت‌ها و تأمین مالی، قواعد مالیاتی، تنظیم مقررات تجاری، سیاست‌های تشویقی بوده است. وجود سیاست‌های مالیاتی مؤثر و کارآمد یکی از عوامل مهم در تحقق اهداف مالیاتی است که علاوه بر این که نشان دهنده حاکمیت ملی بوده می‌تواند آثار مختلفی

بر سرمایه‌گذاری و توزیع درآمد داشته باشد بنابراین در این پژوهش سعی گردید تا آثار سیاست‌های مالیاتی دولت بر کارآفرینی مورد بررسی واقع گردد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش سطح توسعه‌یافتگی کشورها، میزان کارآفرینی در هر دو نوع ضرورت و فرصت‌محور افزایش می‌یابد و همچنین نسبت کارآفرینی فرصت‌محور به ضرورت‌محور نیز افزایش می‌یابد. اثرگذاری مثبت نرخ ورود به دانشگاه‌ها به عنوان سرمایه انسانی مولد کارآفرینی، سطح توسعه مالی، تراکم کسب‌وکارهای جدید و نرخ مشارکت نیروی کار بر کارآفرینی در هر دو نوع و همچنین اثرگذاری بیشتر بر کارآفرینی فرصت‌محور، نشان می‌دهد که زیرساخت‌های توسعه اقتصادی در هر کشور، به عنوان متغیر کلیدی در ترویج کارآفرینی عمل می‌نماید. این موضوع در کنار هدفگذاری دولتها به خصوص کشورهای در حال توسعه، جهت دستیابی به توسعه اقتصادی با تکیه بر ترویج کارآفرینی و نوآوری تناقض سیاست‌گذاری ایجاد می‌نماید. به عبارتی شاخص‌های توسعه اقتصادی محور توسعه کارآفرینی است و کارآفرینی می‌تواند توسعه اقتصادی را تسریع کند. همچنین شاخص‌های توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه با کارآفرینی ضرورت‌محور تطابق بیشتری دارد. از جمله این که میزان احساس فساد عمومی در جامعه، انگیزه کارآفرینی فرصت‌محور را کاهش می‌دهد اما در مقابل کارآفرینی ضرورت‌محور تأثیر منفی چندانی ندارد.

نرخ مالیاتی به عنوان مانعی برای انگیزه کارآفرینی در هر دو نوع عمل می‌کند و از این رو اعطای معافیت‌های مالیاتی حداقل برای سال‌های اولیه کسب و کارها، موثر خواهد بود. اگرچه نرخ بیکاری به عنوان محرک کارآفرینی ضرورت‌محور مطرح است، اما نرخ بیکاری بالا می‌تواند به معنی محدودیت بازار به خصوص برای محصولات و خدمات جدید باشد. سیاست‌های اقتصادی در راستای کاهش بیکاری کارآفرینی ضرورت‌محور را تقویت می‌کند و بسترهای کارآفرینی از طریق توسعه اکوسیستم نوآوری در کشور می‌تواند بخشی از افراد بیکار اما با استعداد را جذب نماید.

اگرچه سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی به عنوان رقیب کارآفرینان باعث کاهش انگیزه ایشان می‌شود، اما برخی از هزینه‌های دولتی از قبیل ایجاد نظم و امنیت عمومی (که حقوق مالکیت را نیز شامل می‌شود)، سهم مخارج دولت در توسعه فرهنگی و آموزش‌های مرتبط در سطح عمومی می‌تواند توسعه دهنده آن باشد.

نتیجه این که مجموعه‌ای از ابزارهای سیاستی از قبیل هزینه‌های هدفمند در توسعه کارآفرینی، توسعه ساختارها و ابزارهای حامی کارآفرینان به نحوی که ریسک فعالیت آنها را کاهش دهد و تأمین مالی آنها را تسهیل نماید، سیاست‌های مشوق مالیاتی و عدم مداخله از طریق حمایت مستقیم مواردی است که به عنوان توسعه‌دهنده کارآفرینی در هر دو سطح موثر است. برای کشورهای در حال توسعه که کارآفرینی ضرورت‌محور نسبت بالاتری

دارد، هدایت‌کننده نتایج کارآفرینی به فرصت‌محور در اکوسیستم نوآوری از طریق حمایت‌ها جهت تغییر مسیر کارآفرینان موجود و افزایش ظرفیت و انگیزش کارآفرینان از طریق حمایت در پوشش ریسک و تقویت مالی توسعه قابل انجام است. بنابراین سیاست‌گذار می‌تواند در کوتاه مدت از طریق هدفمند نمودن مشوق‌های مالیاتی، تسهیل اعتبارات به فعالان کارآفرین و تقویت ساختارهای تسهیم ریسک فعالیت‌های نوآورانه، در توسعه کارآفرینی در سطح جامعه موثر باشد. در بلندمدت بهبود شاخص‌های نهادی و حکمرانی از قبیل توسعه سرمایه انسانی، رشد اقتصادی و تقویت مبادلات در بستر شفاف و سالم می‌تواند منجر به رشد بیشتر کارآفرینی (به خصوص فرصت‌محور) گردد.

فهرست منابع

1. Abounoori A, Motavasel S. (2013). Investigation into Effects of Ownership Rights Efficiency and Tax on Entrepreneurship in Selected Countries and Iran. *J Tax Res*; 20 (16): 163-189(In Persian)
2. Aidis, R. Estrin, S. & Mickiewicz, T. M. (2012). Size Matters: Entrepreneurial Entry and Government. *Small Business Economics*, 39(1), 119–139.
3. Amorós, J. E. Ciravegna, L. Mandakovic, V. & Stenholm, P. (2019). Necessity or Opportunity? The Effects of State Fragility and Economic Development on Entrepreneurial Efforts. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 43(4), 725–750.
4. Anokhin, S. & Schulze, W. S. (2009). Entrepreneurship, Innovation, and Corruption. *Journal Of Business Venturing*, 24(5), 465–476.
5. Albulescu, C. T. , and M. Tămășilă(2016). Exploring The Role of Fdi in Enhancing The Entrepreneurial Activity in Europe. *The International Entrepreneurship And Management Journal* 12: 629–657.
6. Audretsch, D. B. Belitski, M. & Cherkas, N. (2021). Entrepreneurial Ecosystems In Cities: The Role of Institutions. *Plos One*, 16(3), E0247609.
7. Bruce, D. & Schuetze, H. J (2004). The Relationship Between Tax Policy and Entrepreneurship: What We Know and What We Should Know. *Swedish Economic Policy Review*, 11(2).
8. Bruce,D, Liu,X. Murray,M,(2015). State Tax Policy and Entrepreneurship, *National Tax Journal* volume 68, Number 3s
9. Boudreaux, C. , & Caudill, S(2019). Entrepreneurship, Institutions, and Economic Growth: Does The Level of Development Matter?(No. 94244). University Library of Munich, Germany.
10. Cullen, J. B. , & Gordon, R. H. (2007). Taxes and Entrepreneurial Risk-Taking: Theory and Evidence for the Us. *Journal of Public Economics*, 91(7-8), 1479–1505.
11. Desai, S. , Acs, Z. J. , & Weitzel, U. (2013). A Model of Destructive Entrepreneurship: Insight for Conflict and Postconflict Recovery. *Journal of Conflict Resolution*, 57(1), 20–40
12. Djankov, S. Ganser, T. McLiesh, C. Ramalho, R. & Shleifer, A. (2010). The Effect of Corporate Taxes on Investment and Entrepreneurship. *American Economic Journal: Macroeconomics*, 2(3), 31–64

13. Dreher, A. & Gassebner, M. (2013). Greasing The Wheels? The Impact of Regulations and Corruption on Firm Entry. *Public Choice*, 155(3-4), 413-432.
14. Domar, E. D. , & Musgrave, R. A. (1944). Proportional Income Taxation and Risk-Taking. *The Quarterly Journal of Economics*, 58(3), 388-422.
15. Dvouletý, O(2018). How to Analyse Determinants of Entrepreneurship and Self-Employment at the Country Level? A Methodological Contribution. *Journal of Business Venturing Insights*, 9, 92-99.
16. David B. Audretsch & Maksim Belitski & Farzana Chowdhury & Sameeksha Desai, (2022). "Necessity or Opportunity? Government Size, Tax Policy, Corruption, and Implications for Entrepreneurship," *Small Business Economics*, Springer, Vol. 58(4), Pages 2025-2042, April.
17. Estrin, S. , Korosteleva, J. , & Mickiewicz, T. (2013). Which Institutions Encourage Entrepreneurial Growth Aspirations? *Journal of Business Venturing*, 28(4), 564
18. Fairlie, R. W. Kapur, K. & Gates, S. (2011). Is Employer-Based Health Insurance A Barrier to Entrepreneurship? *Journal of Health Economics*, 30(1), 146-162.
19. Feizpour M, Emami Meybodi M, Radmanesh S, Ahmadi Z. (2011). Tax and Its Place in Iran's Doing Business: A Study of industrial experts, industrial scholars and industrialists' Views of the Industry Sector's in Yazd Province Using AHP Method. *J Tax Res*; 19 (10): 169-188(In Persian)
20. Fossen, F. M. & König, J. (2017). Public Health Insurance, Individual Health, and Entry into Self-Employment. *Small Business Economics*, 49(3), 647-669.
21. Edelman, L. , & Yli-Renko, H. (2010). The Impact of Environment and Entrepreneurial Perceptions on Venture-Creation Efforts: Bridging The Discovery and Creation Views of Entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory And Practice*, 34(5), 833-856.
22. Hauner, D. , & Kyobe, A. (2010). Determinants of Government Efficiency. *World Development*, 38(11), 1527-1542.
23. Henrekson, M. (2005). Entrepreneurship: A Weak Link in the Welfare State? *Industrial and Corporate Change*, 14(3), 437-467.
24. Heinemann, F. (2008). Is the Welfare State Self-Destructive? A Study of Government Benefit Morale. *Kyklos*, 61(2), 237-257.
25. Holtz-Eakin, D. Penrod, J. R. & Rosen, H. S. (1996). Health Insurance and The Supply of Entrepreneurs. *Journal of Public Economics*, 62(1-2), 209-235.

26. Hoffmann, A. ; Larsen, M. ; Oxholm, A. S. (2006). Quality Assessment of Entrepreneurship Indicators; National Agency For Enterprise and Construction's Division for Research and Analysis (Fora): Copenhagen, Denmark.
27. Kuratko, D. F.(2013). Entrepreneurship: Theory, Process, and Practice, Mason, Ohio: Cengage Learning.
28. Mauro, P. (1998). Corruption and the Composition of Government Expenditure. *Journal of Public Economics*, 69(2), 263–279.
29. Méon, P. G. & Sekkat, K. (2005). Does Corruption Grease or Sand the Wheels of Growth? *Public Choice*, 122(1-2), 69–97.
30. Mohammadi Khiare Mohsen (2017). Investigating The Impact of Tax Evasion and Corruption on Entrepreneurship: The Study of OECD Countries, *Entrepreneurship Development*, Fall 2017, Volume 11, Number 3; from Page Pp. 520-501. (In Persian)
31. Mohammadzadeh, Parviz; Khan Goldizadeh, Samaneh; Kamangar, Shahram (2019). The Impact of Innovation and Entrepreneurship on Economic Growth: A Cross-Country Study; *Iran Economic Research*, 25th Spring 2019, No. 82, Pp. 121-148. (In Persian)
32. Nikolaev, B. N. Boudreaux, C. J. & Palich, L.(2018). Cross-Country Determinants of Early-Stage Necessity and Opportunity-Motivated Entrepreneurship: Accounting for Model Uncertainty. *Journal of Small Business Management*, 56, 243-280.
33. Parker, S. C.(2018). *The Economics of Entrepreneurship*. Cambridge University Press.
34. Qafarian Kolahi S H. (2019). Investigating Value Added Tax Impact on Economic Growth (Case Study of Iran and Other Developing Countries). *J Tax Res* 2019; 27 (41): 106-135(In Persian)
35. Rodrigues, B. G. & Soukiazis, E.(2019). The Determinants of Entrepreneurship at The Country Level: A Panel Data Approach. *Entrepreneurship Research Journal*, 9(4), 1-17.
36. Rose-Ackerman, S. (Ed.). (2007). *International Handbook on The Economics of Corruption*. Edward Elgar Publishing.
37. Samadi, Ali Hossein and Mirhashmi, Seyed Mohammad (2016). Investigating The Effect of Tax Policies on Entrepreneurial Activities (A Case Study of Resource-Oriented, Efficiency-Oriented and Innovative Countries), *Tax Research Journal*,

No. 25(33), Pp. 1-20. (In Persian)

38. Sedlacek, P. , & Sterk, V. (2019). Reviving American Entrepreneurship? Tax Reform and Business Dynamism. *Journal of Monetary Economics*, 105, 94-108
39. Shleifer, A. , & Vishny, R. W. (2002). *The Grabbing Hand: Government Pathologies and Their Cures*. Harvard University Press.
40. Sayed, O. ; Slimane, S. B. (2014). An Appraisal of the Determinants of Entrepreneurship in Developing Countries: The Case of the Middle East, North Africa and Selected Gulf Cooperation Council Nations. *Ajss* 2014, 4,63–74.
41. Tonoyan, V. Strohmeier, R. Habib, M. & Perlitz, M. (2010). Corruption and Entrepreneurship: How Formal and Informal Institutions Shape Small Firm Behavior in Transition and Mature Market Economies. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(5), 803–832.
42. Vidal-Suñé, A. ; Lopez-Panisello, M. B. (2013). Institutional And Economic Determinants of the Perception Of Opportunities and Entrepreneurial Intention. *Investig. Reg.* 26, 75–96.
43. Wennekers S. , Thurik, R. , (1999). Linking Entrepreneurship and Economic Growth, *Small Business Economics*13, P. 27–55.
44. Williamson, O. E. (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic Literature*, 38(3), 595–613.

Investigating The Impact Of Tax Policies, Corruption And Government Size on Necessity-Oriented and Opportunity-Oriented Entrepreneurship¹

Nasrin Solhkhah²

Hossein Panahi³

Parviz Mohammadzadeh⁴

Davood Behboudi⁵

Introduction

Entrepreneurship is interpreted as one of the axes of endogenous development, creating sustainable employment and strengthening economic foundations. Many institutional and economic factors influence the level and quality of entrepreneurship, the most important of which are the duties of the government and its support policies. Considering the importance of the subject and the investigation of the effectiveness of entrepreneurship from environmental variables, the current research is focused on investigating the effect of government performance and especially the effect of tax policies, government size and corruption on types of entrepreneurship (opportunity-oriented and necessity-oriented). In this research, using panel data estimation method with incomplete data, the effect of variables such as tax rate, corruption index and a wide range of government expenses on the development of entrepreneurship at two levels of necessity and opportunity-based has been tested. In this regard, the information of 33 countries was used between 2010 and 2018.

The results show that increasing taxes in selected countries limits opportunity-oriented and necessity-oriented entrepreneurship. Government spending in the public sector has a positive effect on the growth of opportunity-based entrepreneurship. Public corruption has an adverse effect on opportunity-oriented entrepreneurship, while positive and significant effects on necessity-

1. This article is taken from the PhD thesis of Corresponding author.

2. PhD Candidate in Economics, Tabriz University, (Corresponding Author), nasrin.solhkhah@tabrizu.ac.ir

3. Professor, Economics, Tabriz University, panahi@tabrizu.ac.ir.

4. Associate Professor, Economics, , Tabriz University, pmohamadzadeh@tabrizu.ac.ir

5. Professor, Economics, , Tabriz University, dbehbudi@tabrizu.ac.i

oriented entrepreneurship have been calculated. Also, indicators of the national per capita income level, human capital, credit amount to the private sector, business density, unemployment rate and labor force participation rate are other factors affecting the level and quality of entrepreneurship.

Methodology

Using the existing literature on entrepreneurship and public policy, this article seeks to show the impact of government size, corruption and tax policy on entrepreneurship.

The statistical population of this research is based on data from the following sources:

World Bank Group Entrepreneurship Snapshot (WBGES), World Development Indicators (WDI), Doing Business (DB), Database Global Entrepreneurship Monitor (GEM), National Expert Survey and Adult Population survey, and the Worldwide Governance Indicators (WGI), Internationally Monetary Fund.

It covers 33 countries for the time period 2010-2018 and contains 272 observations. In this research, unbalanced panel data with hidden values for several countries have been used. And after examining the significance of the variables and the estimation type selection tests, the fixed effects method has been used for estimation and to solve the variance heterogeneity, the model has been estimated as (FGLS).

In this article, the separation of two types of necessity-based and opportunity-based entrepreneurship is used, the motivations for their formation are different. The independent variables affecting these two types of entrepreneurship are tax policy, corruption, size and quality of government governance.

The econometric model intended in this study is specified based on theoretical and applied studies and inspired by Odrich et al. 's study (2021) and the estimation of the study model (with the dependent variable of opportunity-based and necessity-based entrepreneurship) using Stata software Provided.

Findings

In the past few decades, government policy makers have sought to formulate entrepreneurship policies for economic growth in different societies. Governments expect to shape the institutional structure of entrepreneurial

activities by implementing some policies and guide them towards the targeted activities. The most important support tools of governments in the entrepreneurship sector among the multitude of government policies and tools have been policies such as support and financing, tax rules, regulation of commercial regulations, incentive policies. The existence of effective and efficient tax policies is one of the important factors in the realization of tax goals, which, in addition to being a reflection of national sovereignty, can have various effects on investment and income distribution, so in this research, an attempt was made to examine the effects of government tax policies on entrepreneurship.

The results of the research show that with the increase in the level of development of the countries, the amount of entrepreneurship increases in both types of necessity and opportunity-oriented, and also the ratio of opportunity-oriented to necessity-oriented entrepreneurship also increases. The positive effect of the university entry rate as a productive human capital of entrepreneurship, the level of financial development, the density of new businesses and the labor force participation rate on entrepreneurship in both types, as well as the greater effect on opportunity-oriented entrepreneurship, show that the infrastructure of economic development in each country, to It acts as a key variable in promoting entrepreneurship. This issue, along with the targeting of governments, especially developing countries, to achieve economic development by relying on the promotion of entrepreneurship and innovation, creates a policy contradiction. In other words, economic development indicators are the focus of entrepreneurship development and entrepreneurship can accelerate economic development.

Also, economic development indicators in developing countries are more compatible with necessity-oriented entrepreneurship. Among other things, the level of feeling of public corruption in the society reduces the motivation of opportunity-oriented entrepreneurship, but it does not have a negative effect on necessity-oriented entrepreneurship.

The tax rate acts as an obstacle for the motivation of entrepreneurship in both types, and therefore granting tax exemptions will be effective at least for the initial years of businesses. Although the unemployment rate is considered

as a driver of necessity-oriented entrepreneurship, a high unemployment rate can mean a market limitation, especially for new products and services. Economic policies in the direction of reducing unemployment strengthen necessity-based entrepreneurship, and entrepreneurial platforms can attract a part of unemployed but talented people through the development of the innovation ecosystem in the country.

Although the share of government expenditures in GDP as a competitor of entrepreneurs reduces their motivation, some government expenditures such as creating public order and security (which also includes property rights), the share of government expenditures in cultural development and education Relevant at the general level can be its developer.

The result is that a set of policy tools such as targeted spending in entrepreneurship development, development of structures and tools to support entrepreneurs in a way that reduces the risk of their activity and facilitates their financing, tax incentive policies and non-intervention through direct support are the things that As a developer of entrepreneurship, it is effective at both levels. For developing countries where necessity-oriented entrepreneurship has a higher ratio, it is possible to guide the results of entrepreneurship to opportunity-oriented in the innovation ecosystem through support to change the path of existing entrepreneurs and increase the capacity and motivation of entrepreneurs through support in risk coverage and financial strengthening of development.

Key Words: Entrepreneurship, Tax, Corruption, Necessity-oriented Entrepreneurship, Poverty-oriented Entrepreneurship